

Abstract

The culture of any society contains its identity. One of the cultural categories of the tradition-giving community is giving and receiving gifts; This method affects the communication and interaction between human beings and takes another form. Ferdowsi Shahnameh is a rich source of Iranian heritage that expresses Iranian cultural identity and beliefs from the world of mythology, epic and history. By studying this precious work, we find that women, heroes, princes and princesses of ancient Iran in different occasions and occasions They offered gifts such as coronation, wedding, birth of a child, welcome and expulsion, world of heroism, and so on. The origin of this culture is ancient and has long been addressed by different Iranian ethnic groups in their own way. In addition to its psychological effects on the individual and society, this tradition has led to better human, cultural and social relations and interactions. The culture of giving and giving gifts is not limited to marriage ceremonies, childbirth, birth and travel baggage; Sometimes due to ransom and prevention of war and bloodshed, sometimes out of respect and reverence, sometimes out of fear and sometimes due to the strengthening of relations, peace and reconciliation. This research uses a descriptive-analytical method of gift, gift, reconciliation and ransom payment occasions, which are sometimes paid out of compassion and sometimes out of fear, for the sake of peace, reconciliation and strengthening relations, as well as examine and explain the function of each. Conclusions.

Keywords: tradition of giving, gift giving, coronation, Shahnameh, Ferdowsi

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.340165.3414>

بررسی سنت ارمغان در شاهنامه‌ی فردوسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

هرمز جعفری^۱

نواز الله فرهادی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

حسین اسماعیلی^۳

چکیده

فرهنگ هر جامعه‌ای در برگرفته‌ی هویت آن است. یکی از این مقوله‌های فرهنگی جامعه سنت ارمغان، هدیه دادن و هدیه گرفتن است؛ که این شیوه ارتباط و تعامل بین انسان‌ها را تحت تاثیر قرار داده و شکل دیگری به خود می‌گیرد. شاهنامه‌ی فردوسی منبعی غنی از میراث ایرانیان است که هویت فرهنگی و باور ایرانی را از دنیای اساطیر، حماسه و تاریخ بیان می‌کند. با مطالعه‌ی این اثر گران بها درمی‌یابیم که زنان، پهلوانان، امیران و شهریاران ایران باستان در مواقع مختلف و مناسبت‌های گوناگونی همچون تاج‌گذاری، عروسی، تولد فرزند، استقبال و بدرقه، جهان پهلوانی و... ارمغان و هدایایی پیشکش می‌کردند. خاستگاه این فرهنگ دیرینه است و از دیر باز میان اقوام مختلف ایرانی هر یک به شیوه و روش خود به آن پرداخته‌اند. این سنت افزون بر اثرات روانی آن بر شخص و جامعه، سبب روابط و تعامل انسانی، فرهنگی و اجتماعی بهتر بوده است. فرهنگ ارمغان و هدیه دادن منحصر به مراسم ازدواج، زایش و تولد فرزند، رهاورد و ره توشه‌ی سفر نیست؛ که گاه به جهت باج و پیشگیری از جنگ و خونریزی، گاهی از سر بزرگداشت و احترام، بعضاً از روی ترس و گاه بنا به تحکیم روابط، صلح و آشتی بوده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی مناسبت‌های پرداخت ارمغان، هدیه، صلح و آشتی که گاه از روی مهرورزی و بعضاً از روی ترس و به جهت صلح و آشتی و تحکیم روابط پرداخت شده و هم چنین کارکرد هریک را بررسی و تبیین نموده و در نهایت به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

کلید واژگان: سنت ارمغان، هدیه دادن، تاج‌گذاری، شاه‌نامه، فردوسی

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران.

hjafari@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران.

farhadi@cfu.ac.ir

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

esmailhosienv@gmail.com

در لغت نامه‌ها و فرهنگ لغات درباره واژه ی ارمغان معانی مختلفی بیان شده است. پیشکش، هدیه، سوغات، تحفه و... از این جمله‌اند. ارمغان در لغت تحفه ای باشد که چون از جایی آیند به جهت دوستان بیاورند (جهانگیری) سوغاتی را گویند که چون از جایی بیایند به جهت دوستان به طریق ره آورد بیاورند. (برهان سوغات، راه آورد. (جهانگیری) هدیه، پیشکش (دهخدا ذیل واژه ارمغان)

انسان موجودی اجتماعی است که همواره با همدلی و همراهی در کنار یکدیگر زندگی می‌کند. محبت، مهرورزی و ابراز علاقه در وجود انسان ذاتی و درونی است. یک از راه‌های بیان تمایل قلبی و ابراز علاقه به دیگران فرهنگ و سنت هدیه دادن و ارمغان است که در آیین‌های کهن ایران باستان وجود داشته است.

خاستگاه این فرهنگ دیرینه است و از دیر باز میان اقوام مختلف ایرانی هر یک به شیوه و روش خود به آن پرداخته‌اند. این سنت افزون بر اثرات روانی آن بر شخص و جامعه، سبب روابط و تعامل انسانی، فرهنگی و اجتماعی بهتر بوده است. فرهنگ ارمغان و هدیه دادن منحصر به مراسم ازدواج، زایش و تولد فرزند، رهاورد و ره توشه ی سفر نیست؛ که گاه به جهت باج و پیشگیری از جنگ و خونریزی، گاهی از سر بزرگداشت و احترام، بعضاً از روی ترس و گاه بنا به تحکیم روابط، صلح و آشتی بوده است.

کهن‌ترین مستندات فرهنگ پیشکشی و ارمغان در سنگ نگاره‌های تخت جمشید است که آیین‌های اهدا را ثبت و به تصویر کشیده است. به تبع آن آیین پیشکشی هدایا و ارمغان با آن قدمت و پیشینه‌ی دیرینه در شاه‌نامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز بازتاب داشته و شاعر در مناسبت‌های گوناگون آن را بیان نموده و ابیاتی را به آن اختصاص داده و به این موضوع پرداخته است. میزان هدایا بستگی به پایگاه و جایگاه افراد دارد. «ارمغان با پایگاه و گرانمایگی هرکس بستگی می‌داشت؛ چنانکه سام بر اندازه ی پایگاه هرکسی بدو ارمغان می‌فرستد: براندازه شان خلعت آراستند/ همه پایه ی برتری خواستند» (محمدآبادی، ۱۳۵۰: ۳۰۹).

این پژوهش می‌کوشد تا با دسته‌بندی انواع و اقسام هدایا، سنت ارمغان و هدیه دادن در شاه‌نامه‌ی فردوسی را بررسی نماید. صلح، هدیه، خلعت، رهاورد، غنایم جنگی و... را که در مراسم و مناسبت‌هایی چون تاج‌گذاری، عروسی، رونمایی از عروس، سپاس‌گزاری، پیروزی، دل‌آوری، احترام و بزرگداشت، تشویق و دل‌گرمی، شکرانه‌ی نجات و پیروزی، رهاورد سفر، استقبال، بدرقه، جهان‌پهلوانی و... اهدا می‌شود؛ مورد شناسایی قرار داده و تجزیه و تحلیل نماید. به دلیل حجم بالای این موارد در شاه‌نامه تنه‌بخش‌هایی راگزینش کرده و پس از توضیحات مختصری پیرامون سنت ارمغان و هدیه؛ مباحث اصلی همراه با شاهد مثال‌ها از شاه‌نامه آورده می‌شود.

- مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

درباره شاه‌نامه و موضوعات آن پژوهش‌های فراوانی شده و کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌ی متعددی نگاشته شده است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: زناشویی در شاه‌نامه (۱۳۸۳) معصومی دهقی که در این کتاب به جایگاه و مقام و منزلت و مرتبه زن در شاه‌نامه پرداخته است. از رنگ گل تارنج خار (۱۳۶۸) قدمعلی سرامی، این اثر به طور مفصل به شکل شناسی شاه‌نامه پرداخته و موارد مختلف آن را بررسی می‌نماید. آیین‌ها در شاه‌نامه فردوسی (۱۳۵۰) باویل محمدآبادی، در این کتاب کوشش شده تا آیین‌های گوناگونی که در سراسر داستان‌های شاه‌نامه پراکنده است را گردآوری نماید. از جمله در چند صفحه به آیین تاج‌گذاری و سنت ارمغان اشاره نموده است. مقاله آداب و آیین در شاه‌نامه فردوسی (۱۳۹۱) سیدصادقی و موسوی به آداب و آیین‌هایی چون جشن‌ها،

میهمانی ها، نخجیر و ... پرداخته اند. اما به طور مشخص و منحصرا درباره ی سنت ارمغان در شاه نامه تاکنون تحقیق و پژوهش جامع و مستقلی صورت نگرفته است. لذا محقق کوشش نموده است تا در این مقاله، پژوهشی نو و بدیع در این زمینه را برای نخستین بار ارائه دهد.

- روش تحقیق :

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

- یافته ها :

۱- جشن و بزم: برای آن که پادشاهان در نظر رعیت و عامه نیکو جلوه کنند به به داد و دهش می پرداختند. سخاوتمندی پادشاه به میزان بخشش او بستگی دارد. «آن چه که سلطنت را رونق می بخشد همانا دهش و نیکی درباره ی اشراف و بزرگان و رعیت است. زیرا آنان بدین وسیله پیش وی سرفرود کی آورند و در زمره ی خدمتگزاران در می آیند» (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۹۶) عمده ترین بخشش ها در شاه نامه مال و خواسته است. بخش اعظمی از این بخشش ها و پیشکش ها در جشن ها و مناسبت ها انجام می گردد. جشن ها و مراسم های ایرانی از دیر باز مورد توجه بوده است. لغت جشن در فارسی از لغت (یسن) اوستایی به یادگار مانده است (دهخدا، ذیل واژه جشن). در کتاب مزد یسنا و ادب فارسی نیز درباره ی این واژه آمده است: «واژه جشن که به معنی عید است از کلمه «یسنا» آمده است. «یجنه» و در پهلوی «یزشن» و «ایزشن» گویند» (معین، ۱۳۵۰، ج ۱: ۱۹۵). هم چنین «لغاتی از ماده «یز» و «سین» که از زمان قدیم تا به امروز در فارسی رواج داشته است همان لغات «ایزد» در «جشن» است» (پوردادوود، ۱۳۴۰: ۲۴). از جشن ها و مراسم های مورد اشاره در شاه نامه که سنت ارمغان دادن و هدیه و پیشکشی در آن مرسوم بوده است به چند دسته تقسیم می شود: جشن تاج گذاری، جشن مناسبت اعیاد و ایام، جشن ازدواج، جشن زایش فرزند، جشن پیروزی در جنگ یا نجات فرد.

۱-۱- جشن نوروز: نوروز از جشن های شاخص ایرانیست که در هر دوره ای با شکوهی خاص برگزار می گردید. «پادشاهان ایران به جشن نوروز و مهرگان بارعام می دادند» (جاحظ، ۱۳۹۲: ۶۹). سلاطین و شهریاران در این جشن ها هدایا، خلعت و صلت نثار می نمودند. بیهقی آورده است «روز پنج شنبه هژدهم ماه جمادی الآخر امیر به جشن نوروز نشست و هدیه ها بسیار آورده بودند و تکلف بسیار رفت و شعرشوند از شعرا ... و صلت فرمود و مطربان نیز (صلت) فرمود» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۹۴۱). فردوسی نیز از جمله شاعرانی است که در شاه نامه توجه خاصی به جشن نوروز اشاره که توسط جمشید برگزار گردیده است:

جهان انجمن شد بر تخت او فرومانده از فره ی بخت او

به جمشید بر گوهر افشاندند مرآن روز را روز نو خواندند

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۰)

۱-۲- جشن ازدواج: این آیین در ایران باستان به لحاظ منزلت والای تشکیل خانواده و توصیه‌ی پیامبر ایران باستان در اوستا اهمیت خاصی به ازدواج داده و در این جشن هدیه دادن مرسوم بوده و تا امروزه نیز رواج دارد. جهیزیه، هدی و خلعت فراوانی در این جشن نثار می‌کردند. «سلطان محمود به مناسبت عقدنکاح امیرمحمد با دختر امیر یوسف تکلف بسیاری در این مراسم به خرج می‌داد و به سرای آنان رفت و امیرمحمد را بسیار چیز بخشید و به او خلعت شاهانه داد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۳۹۹). مراسم ازدواج نیز در شاه‌نامه با آیینی خاص برگزار می‌گردد. نخست اخترشناسان روزی خجسته را برای برگزاری مراسم برمی‌گزینند. عروس را بر تخت و نشستگاهی زرین می‌نشانند: «همان تخت زرین گوهرنگار» (فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۵۵) بر سر عروس تاج و افسری زرین و زبرجد می‌نهادند: «نهاد از بر تارک افسرش را» (همان: ۱۵۷) بزرگان و نامداران به مراسم دعوت می‌شدند و گواه این پیوند می‌ساختند: «به پیوستگی برگوا ساختند» (همان: ۱۵۷) پس از پیشکش نمودن ارمغان‌ها و هدایا، جهیزیه را بر هیوانان می‌بستند و عروس را سوار بر مهد و عماری که به او هدیه شده؛ می‌کردند و راهی می‌نمودند. از دیگر هدایایی که در این مراسم پرداخت می‌شود رسم رونمایی از عروس است. فردوسی در داستان ازدواج زال و رودابه در چندین بیت به این رسم اشاره نموده است:

یکی روی از آن بچه‌ی اژدها مرا نیز بنمای و بستان بها (همان: ۵۹)

ج

ج

۱-۲-۱- ازدواج پسران فریدون با دختران شاه یمن: فریدون دستور می‌دهد تا جندل به به نزد شاه یمن رفته و سه دختر وی را خواستگاری کند. پس از رای زنی این موضوع را پذیرفته و در مراسمی با هدایای بسیار دخترانش را به ازدواج فرزندان فریدون در می‌آورد:

در گنج های کهن کرد باز گشاد آن که یک چندگه بود راز...

ز گوهر یمن گشت افروخته عماری یک اندر دگر دوخته...

عماری به پشت هیوان مست (همان: ۲۵) چنان چون بود ساز و آیین بست (همان: ۲۵)

۱-۲-۲- ازدواج زال و رودابه: زال در دیدار با مهراب، رودابه را از مهراب خواستگاری می‌کند. رودابه چون گفت و گوی پدر و مادر می‌شنود، مشتاق دیدار زال می‌گردد. پنج نفر از خدمتکاران را به شادران زال روانه می‌سازد و به همراه آنان هدایایی به صورت پنهانی برای زال می‌فرستد:

درم خواست با زرّ و گوهر ز گنج گرانمایه دیبای هفت رنگ پنج

برفتند زی ماه رخسار پنج ابا گرم گفتار و دینار گنج (همان: ۴۷)

در این پیوند چندین بار پیک و نامه بر آمد و شد می‌کنند تا این وصلت به فرجام بیانجامد. هر بار که خبری خوش رد و بدل می‌کنند؛ بفرستنده درم نثار کرده و هدیه‌ای به شادی به وی می‌بخشایند یا به به فقرا و مردم می‌دهند:

به نزدیک رودابه آمد چو باد از آن شادمانی ورا مژده داد

پری روی بر زن درم برفشانند به کرسی زر پیکرش برنشانند(همان:۵۲)

سیندخت به عنوان پیک با هدایا به دربار سام می‌رود. پس از بازگشت به یمن خبر رضایت سام، مهرباب به وی خلعت می‌دهد:

سزاوار او خلعت آراستند ز گنج آن چه پرمایه تر خواستند(همان:۵۹)

۳-۲-۱- سیاوش و فرنگیس: جشن عروسی فرنگیس و سیاوش از مواردی است که فردوسی به کاروان مفصل هدایا در ابیاتی پرشمار به آن پرداخته است. گلشهر همسر پیران ویسه به عروس و داماد خود هدایایی پیشکش می‌دارد:

بیاورد گلشهر دخترش را نهاد از بر تارک افسرش را

به دیبا و دینار و زر و درم به درک وبه بوی و به بیش و به کم(همان:۱۵۵)

افراسیاب پادشاه سرزمین توران به میمنت این جشن فرخنده علاوه بر هدایای بسیار و بی‌شمارکه نثار سیاوش کرده؛ منشور سرزمینی را به نام سیاوش می‌کند:

وز آن مرز تا پیش دریای چین همه نامه بردند شهر و زمین

به فرهنگ صد بود بالای او نشایست پیمود پهنای او

به پیش سیاوش فرستاد شاه ابا تخت زرین و زرین کلاه(همان:۱۵۷)

موضوع صدور فرمان و منشور حکومت بر سرزمین از جمله هدایای اشاره شده در شاه نامه به افراد است که در دوجا بدان پرداخته شده است. یکی در داستان سیاوش از سوی افراسیاب و دیگری در داستان زال و منوچهر.

۴-۲-۱- ازدواج فغانستان دختر کید و اسکندر: در حمله ی اسکندر به هندوستان کید در پاسخ نامه ی اسکندر به او می نویسد که چهارچیز گران بهای خود را برایت خواهم فرستاد. یکی از آن ها دختر وی، فغانستان است که با هدیه و جهیزیه به نزد اسکندر می فرستد:

در گنج بی‌رنج بگشاد شاه گزین کرد زو یاره و تاج و گاه

همان گوهر و جامه‌ی نابرید زچیزی که شایسته‌تر برگزید

ببردند سبید شتروار بار همه جامه و گوهر شاهوار(همان: ۴۹۲)

ج

۵-۲-۱ ازدواج مریم دختر قیصر روم با خسرو پرویز: قیصر روم دخترش مریم را با هدایای بسیار (جهیزیه) به دربار خسرو پرویز می‌فرستد:

بپذرفت دخترش گسته‌م گرد به آیین شاهان به خسرو سپرد

ج

وز آن پس بیاورد چندان جهیز کرآن کند شد بارگی‌های تیز(همان: ۷۴۳)

ج

ججج

۶-۲-۱ ازدواج ساسان و دختر بابک: پس از این که ساسان مدتی را به فقر و شبانی زیست و شناخته شدن آن از سوی بابک، جامه‌ی شاهانه بر او می‌پوشاند. ابزار پادشاهی به وی اهدا می‌کند و دخترش را به همسری وی در می‌آورد:

بیاورد پس جامه‌ی خسروی یکی اسپ با آلت خسروی...

ج

به هر آلتی سرفرازیش داد هم از خواسته بی نیازیش داد

ج

جج

بدو داد پس دختر خویش را پسندیده و افسرخویش را(همان: ۵۱۸)

هدایا و ارمغان	مراسم ازدواج
تخت/گنج/تاج/عماری/چتر/خواسته/	دختران شاه یمن
گوهر/گنج/دیبا/دینار	زال و رودابه
افسر/دینار/دیبا/زر/تخت/زرین/زربفت/طبق/زبرجد/یاره/طوق/مشک/گسترده/کرسی/نعلین/پرستار/زعفران	سیاوش و فرنگیس
تاج/تخت/یاره/گوهر/جامه/دینار/مهد/عود/	اسکندر و فغانستان
زر/گوهر/یاقوت/جامه/گسترده/دیبا/یاره/طوق/گوشوار/تاج/مهد/پرستار	خسرو پرویز و مریم
اسب/جامه/غلام/پرستار/خواسته/افسر/	ساسان و دختر بابک

ازدواج‌های بسیار دیگری در شاه‌نامه مطرح شده که روال آن‌ها بدین گونه که پیش‌تر شرح آن رفت متفاوت است. هدایا، جهیزیه، خلعت، ارمغان و صلح‌ای در آن‌ها رد و بدل نمی‌شود که این احتمالاً به دلیل رونداجرای آن‌هاست.

است. مثل داستان ازدواج اردشیر و گلنار، شاپورو دختر مهرک، شاپور ذوالاکتاف و مالکه، بهرام گور و دختران آسیابان .

۲-۳- جشن تاج گذاری و پادشاهی: تاج گذاری از مهم ترین وقایع و اتفاقات زندگی هر پادشاهی است. در تاریخ گردیزی آمده است: «اعیان و روسای شهر همه به استقبال امیر رفتند و شادی نمودند و چون به غزنین رسید مردمان غزنین درم ریز و دینار ریز کردند. دیگر روز کی بنشست و بارداد همی آمدند و نثارها همی آوردند» (گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۸۴). در جشن ها به هنگام تاج گذاری، پادشاه در مراسمی خاص که پیش از آن اخترشناسان روزی سعد را برای تاج گذاری برگزیده اند، تاج بر سر می گذارد:

به روز خجسته سر مهرماه به سر برنهادی کیانی کلاه (فردوسی، ۱۳۷۶: ۲۲)

ج ج

ضمن سپاس و ستایش پروردگار اصول حکومت داری و منشور جهانداری خود را اعلام می نماید:

جهان از بدی ها بشویم به رای پس آنگه زگیتی کنم گرد پای

ج ج

زهرجای کوتاه کنم دست دیو که من بود خواهم جهان را خدیو (همان: ۹)

ج

سپس خود و دیگران را به رعایت نکات و مسایلی چون دادگری و توصیه و سفارش می کرد. پس از آن گوهر و زر نثار نموده؛ حاضران با تبریک و شادباش و دعای ممدوح به مراسم خاتمه می دادند.

۱-۲-۳- تاج گذاری فریدون: فریدون یکی از شهسواران شاه نامه است که فرزندان و گرانمایگان ایران زمین را گردآورده و در جشن بزرگی که می آراید؛ تاج گذاری نموده است. مادر فریدون به میمنت این جشن و شادمانی در گنج می گشاید و برای پسر و میهمانان پیشکشی می فرستد:

همان جامه و گوهر شاهوار همان اسپ تازی به زرین عذار

ج

همان جوشن و خود و زوبین و تیغ کلاه و کمر هم نبودش دریغ (همان: ۲۲)

ج

۲-۲-۳- تاج گذاری تور: در داستانی که فریدون جهان را بر پسرانش تقسیم می کند، پس از بر تخت نشستن تور بزرگان و نام آوران به سبب تاج گذاری و پادشاهی بر او گوهر و زر نثار می کنند:

بزرگان بر او گوهر افشانند جهان پاک توران شهش خواندند (همان: ۲۶)

ج ج

۳-۲-۳- تاج گذاری منوچهر: در ادامه ی داستان فریدون، تاج و تخت پادشاهی به همراه همه ی داشته و خواسته خود به منوچهر اهدا می کند؛ و توده ی مردم سراسر ایران زمین شهرها را آذین می بندند:

چه از جوشن و ترک و رومی زره گشاینده مر بندها را گره

ج ج

کمان های چاچی و تیرخندنگ سپرهای چینی و ژوپین جنگ (همان: ۳۱)

ج

ج

۴-۳-۲- تاج گذاری نوذر: هنگامی که منوچهر جهان را بدرود می گوید؛ نوذر انجمنی را گردآورده و تاج پادشاهی بر سر می نهد. سنت ارمغان دهی و هدیه در این مراسم برگزار می شود:

به تخت منوچهر بر بار داد سپه را درم داد و دینار داد (همان: ۶۴)

ج

ج

۵-۳-۲- زو تهماسب: وی از پادشاهان ایران زمین در شاهنامه است که پس از نشستن بر تخت پادشاهی بزرگان و فرزندان هدایا و نثار شاهی بر او می افشاند:

بزرگان بر او آفرین خواندند نثار شهی بر وی افشاندند (همان: ۷۴)

ج

ج

۶-۳-۲- کی قباد: کی قباد از پادشاهانی است که صد سال حکومت می کند. نامداران و پهلوانان پس از بر تخت نشستن کی قباد بر او هدایا و گوهر نثار می کنند:

همه نامداران شدند انجمن چو دستان و چو قارن رزم زن

ج

ج

چو کشواد چو خراد و برزین گو فشانند گوهر بر آن تاج نو (همان: ۷۸)

۷-۳-۲- گشتاسب: گشتاسب چون از روم به ایران باز می گردد، زیر با او سخن گفته و او را راضی می کند که

تاج و تخت پادشاهی ایران زمین را از پدرش بپذیرد. لهراسب تاج پادشاهی و گنجینه را به گشتاسب هدیه می دهد:

برادر بیاورد پرمایه تاج همان یاره و طوق با تخت عاج

ج

ج

چو گشتاسب تخت پدر دید شاد نشست از برش تاج بر سر نهاد (همان: ۴۰۲)

ج

ج

قیصر روم نیز پس از تاج گذاری گشتاسب برای تبریک تاج گذاری و ازدواج وی و هم چنین پوزش از رفتارهای گذشته، هدایای بسیار نثار گشتاسب، کتابیون و لشکریان می کند:

غلام و پرستار رومی هزار یکی طوق پر گوهر شاهوار

زدیای چنین شتربار پنج یکی فیلسوفی نگهبان گنج (همان: ۴۰۲)

ج

۸-۳-۲- بهمن اسفندیار: بهمن به تاج و تخت می رسد؛ به دهش پرداخته و سپاهیان را زر و گوهر پیشکش می دارد:

چو بهمن به تخت نیا بر نشست کمر بر میان بست و بگشاد دست

ج

سپه را درم داد و دینار داد همان کشور و مرز بسیار داد(همان: ۴۶۹)

ج

۹-۳-۲- همای: همای از زنان شهریار در شاه نامه است. هنگامی که به شهریار می رسد، به داد و دهش می پردازد:

همای آمد و تاج برسر نهاد یکی راه و آیین دیگر نهاد

ج

سپه را همه سربه سر بار داد در گنج بگشاد و دینار داد(همان: ۴۷۲)

ج

۱۰-۳-۲- دارا: دارا در رزم با رومیان شناخته می شود. همای او را به تخت پشاهی نشانده و گوهر نثار مردم می کند:

یکی تاج پر گوهر شاهوار دو یاره یکی طوق گوهر نگار

یکی جام پر سرخ یاقوت کرد یکی نیز دیگر زیاقوت زرد(همان: ۴۷۶)

۱۱-۳-۲- بهرام بهرامیان: بهرام پسر بهرام به آیین کیانی تاج برسر می نهد. بزرگان و مهان براو زر و زیور می افشانند:

چو نشست بهرام بهرامیان بست از پی داد و بخشش میان

به تاجش زبرجد برافشانند همی نام کرمان شهنش خواندند(همان: ۵۲۳)

بسیاری از تاج گذاری های شهریاران بخش اساطیری شاه نامه ساده و به دور از جشن و نثار و خلعت برگزار گردیده است. «با بررسی در شاه نامه پدیدار می گردد که آیین برگاه نشستن و تاج گذاری شهریاران نخستین چندان پرشکوه و گسترده نمی بود و بسیار ساده و بی پیرایه برگزار می شده است» (محمدآبادی، ۱۳۵۰: ۱۵۰). در دوره اساطیری شاه نامه این موضوع بیش تر به چشم می خورد.

پادشاهان	مراسم تاج گذاری	هدایا و ارمغان
کیومرث	دارد	ندارد
هوشنگ	دارد	ندارد
تهمورث	دارد	ندارد
جمشید	دارد	ندارد

ضحاک	دارد	ندارد
فریدون	دارد	جامه/گوهر/اسپ تازی/عذار/جوشن/خود/زوبین/تیغ/کلاه/کمر
تور	دارد	گوهر
ایرج	دارد	تخت و تاج شاهی/تیغ/مهر، نگین/کلاه/منشور ایران و نیزه داران

در دوره ی پهلوانی این موضوع دقیقا عکس و وارونه است. تمامی پادشاهان مطرح شده در این دوره مراسم تاجگذاری برپا کرده و ارمغان، هدایا و نثارهایی (به جز نوذر) پیشکش می کنند:

پادشاهان	تاج گذاری	هدایا و ارمغان
منوچهر	دارد	گرز/تاج و تخت شاهی/طوق/کلاه/کمر بند/سراپرده شاهی/ خیمه های پلنگینه/ اسپان تازی/ستام زرین/شمشیر/ جوشن/ترک/زره رومی/سپرهای چینی/ زوبین/
زال	دارد	اسپان تازی/ستام زرین/شمشیر/نیام/دیبا/خز/ یاقوت/زر/غلام/ دیبای رومی/ زرسرخ/سیم/مشک/کافور/زعفران/نیزه/گرز/تیر و کمان/ منشور کابل و چین و زابل
نوذر	دارد	ندارد
نرگس	دارد	تخت و نثار شاهانه
گرشاسپ	دارد	تخت و کلاه کیانی
کی قباد	دارد	تخت شاهی/تاج شاهی/گوهر
کی کاووس	دارد	گاه شاهی/گنج/طوق/تاج زرین/اسپان تازی/
سیاوش	دارد	اسپان تازی/گوسفند/ جوشن/خود/گرز/کمند/دینار/درم/پوشیدنی/منشور چین
کی خسرو	دارد	تخت شاهی/کلاه شاهی/
مهراسپ	دارد	تخت عاج/تاج شاهی/گنج شاهی
گشتاسپ	دارد	تاج و گنج شاهی/تخت شاهی/یاره/طوق/
بهمن	دارد	درم/دینار/

۴-۲- تولد و شناختن فرزند: یکی دیگر از هدایا و ارمغانهایی که براساس آیین و سنت در ایران باستان رواج داشته و فردوسی در شاهنامه به آن پرداخته و امروزه نیز رایج است، تولد و زادن فرزند است.

۴-۲-۱- زادن سهراب: در داستان متولد شدن سهراب، رستم از ایران برای تهمینه و سهراب نامه ای می نگارد و به همراه پیک و فرستنده هدایایی برای آنان می فرستد:

سه یاقوت رخشان، سه بدره زر کز ایران فرستاده بودش پدر

بدآنگاه که او زاده بودش ز مام فرستاده بودش پدر با پیام(همان:۱۱۲)

ج

جج

افراسیاب با نیرنگی که در سر دارد مانع می شود و هیچ گاه این نامه و هدایا به دست تهمینه و سهراب نمی رسد و آن تراژدی شوم کشته شدن پسر به دست پدر را رقم می زند.

۲-۴-۲- زادن فرود سیاووش: سیاووش چون خبر تولد فرزند خود را از فرستنده می شنود، او را بسیار درم می دهد:

همان گاه نزد سیاووش چو باد سواری بیامد ورا مژه داد

فرستاده را داد چندان درم که آرنده گشت از کشیدن دژم(همان:۱۶۲)

۳-۴-۲- زادن اردشیر بابکان: در زادن اردشیر بابکان نیز هنگامی که فرستنده، نامه و خبر زادن اردشیر را به بابک

می رساند؛ او را به مزدگانی این خبر هدایایی می دهد و به همراه او برای اردشیر نیز هدایای می فرستد:

در گنج بگشاد بابک چو باد جوان را ز هر گونه ای هدیه داد

ج

بسی هدیه ها نیز با اردشیر فرستاد دینار و مشک و عبیر(همان:۵۱۸)

از دیگر مواردی که باید این بخش به آن اشاره کنیم و چند مورد از آن در شاه نامه بیان شده شناسایی فرزند هست. در این داستان ها شاهزادگان شهریارانی هستند که به دلایلی مدتی را مخفیانه و یا به دور از پدر و مادر زندگی کرده تا رشد نموده و به کمال می رسند و در آزمون ها و نبردهایی که در می گیرد؛ شناسایی می شوند.

۴-۴-۲- شاپور اردشیر: شاپور پس از زادن به مدت هفت سال به صورت پنهانی زندگی می کند. تا این که در میدان گوی، اردشیر او را می شناسد و گنج و دینار نثار وی می کند.

گهر خواست از گنج و دینار خواست گران مایه یاقوت بسیار خواست

برو زرّ و گوهر همی ریختند زبر مشک و عنبر همی پیختند(همان:۵۳۰)

ج

۵-۴-۲- اورمزد شاپور: در زادن اورمزد نیز این موضوع تکرار می شود. پس از بازی در میدان چوگان، نام و نژاد

اورمزد بر پدر آشکار می شود. تاجی بر سر او می گذارند، بزمی می آریند و هدایایی نثارش می کنند:

بیاراست زرین یکی تخت شاه یکی طوق فرمود و زرین کلاه

سر خُرد کودک بیاراستند بس از گنج و زرّ و گهر خواستند(همان:۵۳۲)

۶-۴-۲- دارا: پس از آن که دارا با پرورش زن و شوهر گزر پرورش یافت، در نبردی با لشکر روم توسط همای مادرش شناخته می‌شود. به شادمانی و میمنت این اتفاق خجسته گوهر و هدایایی نثار می‌کند:

ز دینار گنجی فرو ریختند می و مشک و گوهر بر آمیختند

ببخشید گنجی برین گونه نیز به هر کشوری بر پراگند چیز(همان: ۴۷۶)

۲-۵- جهان پهلوانی: هنگامی که پهلوانی نامی از سوی شهریار ی مورد تکریم واقع شده و در جایگاه جهان پهلوانی قرار می‌گیرد؛ بدین میمنت سور و جشنی برپا می‌داشتند و خلعت نثار می‌کردند. یکی از این ارمغان‌ها و هدایای این گونه مناصب‌ها اسب است. اصطلاح اسب خواستن در قدیم معمول و مرسوم بوده است. وقتی در روز بار در پیشگاه پادشاه کسی را به مقام یا لقبی یا کرداری جائی مفتخر می‌نمودند ساعت بیرون شدن از در، کسی که گماشته و مأمور این کار بوده و فردوسی وی را (مرد بالای خواه) نامیده است، بانگ زده اسب صاحب آن مقام یا لقب یا شغل را می‌طلبیده است، و این نوعی از اعلام و آگهی بوده است. «امیراحمد را آن روز امیر خراسان خواند و اسب امیر خراسان خواستند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۲۶۵) در شاه‌نامه نیز در چند مورد این موضوع آمده است: چو این عهد و خلعت بیاراستند پس اسب جهان پهلوان خواستند (فردوسی، ۱۳۷۴: ۴۳)

۱-۵-۲- زال: زال یکی از این پهلوانان است که از منوچهر شهریار ایران زمین مرتبه‌ی جهان پهلوانی را دریافت می‌کند. منوچهر در آیینی خاص به همراه هدایای بسیار این مقام را به وی اهدا می‌کند:

ز اسپان تاری به زرین ستام ز شمشیر هندی به زرین نیام

همان تخت پیروزه و تاج زر همان مهر یاقوت و زرین کمر(همان: ۴۳)

منشور نگاشتن به عنوان هدیه و ارمغان دو بار اتفاق افتاده است. منشور سرزمین فرارودان (ماورالنهر) از سوی افراسیاب تورانی برای سیاوش پس از ازدواج با فرنگیس، منشور منوچهر برای زال پس از کسب جهان پهلوانی

۲-۵-۲- پرموده: پرموده پسر شاه ساوه است که در نبرد با بهرام چوبینه از وی پناه می‌جوید. بهرام برای او نزد هرمزد شفاعت و وساطت می‌کند. هرمزد وی را گرامی می‌دارد و پس از پیشکشی خلعتی فراوان وی را مهتر پهلوانان می‌شمارد و او را در این جایگاه قرار می‌دهد:

کمر خواست با گوهر شاهوار یکی باده و جامه‌ی شهریار...

چو خلعت بدین گونه او را سپرد ورا مهتر پهلوانان شمرد(همان: ۷۰۹)

۲-۶- استقبال کردن: معمولاً استقبال و پذیره نیز از مواردیست که در آیینی خاص برگزار می‌گردد و در آن ارمغان و هدایایی به فرد پذیرنده و همراهان پیشکش می‌دارند «ورود فرستاده از اتفاقاتی است که تدارک ویژه‌ای برای آن در هر حکومت تدبیر شده است. با آدابی خاص آن را می‌پذیرفتند، پذیرایی می‌کردند و با دادن خلعت و طی تشریفات او را به سرزمین خود باز می‌گردانیدند» (راوندی، ۱۳۸۷: ۷۰۳). در استقبال از میهمان‌هایی که وارد کشور می‌شدند «گاهی یک یا دو روز راه به پذیره می‌رفتند. محل اقامت، شهر و طول مسیر را آذین بندی می‌کردند. با شادی و بوق و کوس از میهمان استقبال می‌کردند. او را می‌نواختند؛ بر پای و سر وی درم نثار می‌کردند. جایگاه اقامت میهمان را با گلاب و مشک خوش بو می‌ساختند. او را بر پیلی سوار می‌کردند و به شهر وارد می‌کردند. به جهت رفع خستگی پای میهمان را با گلاب و مشک می‌شستند» (سیدنظامی، ۱۳۹۴: ۷-۹).

۲-۶-۱- استقبال از زال: پس از خلعت جهان پهلوانی زال از سوی منوچهر، جهان پهلوان روی به سوی نیمروز می‌نهد. سام و بزرگان به پذیره و استقبال جهان پهلوان آمده و فرخندگی و مبارک قدمی وی را جشن می‌گیرند:

بسی مشک و دینار بر آمیختند بسی زعفران و درم ریختند (همان: ۴۳)

۲-۶-۲- استقبال از کی کاووس: پس از تسلط کاووس بر هاموران، پادشاه هاموران کاووس را به میهمانی خویش دعوت می‌کند. در استقبال و پذیره از کی کاووس هدایایی پیشکش می‌کند:

همه گوهر و زعفران ریختند به مشک و به عنبر بر آمیختند (همان: ۱۰۰)

اما این آیین پذیره و استقبال با دیگر موارد مطروحه در شاهنامه به گونه‌ای دیگر است. در مقابل این ریخت و پاش و نثار هدایای گران بها در استقبال از کاووس نیرنگی جز به بند کشیدن و زندان افکندن کاووس و همراهان نبود:

گرفتند ناگاه کاووس را همان گیو و گودرز و هم توس را (همان: ۱۰۰)

۲-۶-۳- استقبال از سیاوش: پس از پرورش و تربیت سیاوش نزد رستم، به دربار کاووس باز می‌گردند. در آیین استقبال از سیاوش و رستم، مقدم آنان را با هدایا گرامی می‌دارند:

جهانی به آیین بیاراستند چو خشنودی پهلوان خواستند

به زیر پی تازی اسپان درم به ایران ندیدند یک تن دژم (همان: ۱۳۳)

بعد از مراسمی که مهیا می‌سازند، در گنج‌ها گشوده و منشور سرزمین کورشان (فرا رودان) نیز به سیاوش می‌دهند:

نیشتمند منشور بر پرنیان به رسم بزرگان و فرّ کیان

زمین کورشان و را داد شاه که بود از سزای بزرگی و گاه (همان: ۱۳۴)

۴-۶-۲- استقبال از پیران ویسه: پیران پس از بازگشت از هندوستان قصد می‌کند از سیاوش گرد که آوازه‌ی آن در گیتی پیچیده؛ دیدن کند. فرنگیس به همراه سیاوش با هدایا به استقبال پیران می‌روند:

پذیره شدش دختر شهریار پرسید و دینار کردش نثار(همان: ۱۶۰)

۵-۶-۲- استقبال از اسکندر: اسکندر در ادامه‌ی فتوحاتش به سرزمین یمن وارد می‌شود. شاه یمن با بزرگان به پیشباز اسکندر می‌روند و هدایایی پیشکش می‌دارند:

چو بشنید شاه یمن با مهمان بیامد بر شهریار جهان

چنان هدیه‌ها در یمن برگزید بها گیر و زیبا چنان چون ندید(همان: ۵۱۲)

۷-۲- بدرقه کردن: این ابین در شاه نامه مورد توجه خاصی قرار دارد. «ایرانیان حتی برای دشمنان خود احترام قایل شده و او را با خلعت و هدایا بدرقه می‌کنند. در داستان گرسیوز می‌بینیم که او را با خلعت اراسته و با کلاه و سلاح بدرقه می‌کنند. معمولاً مسافر را با اداب و تشریفات خاص و همراه با سوغات و هدایای آن سرزمین مثل برد یمانی، تیغ یمانی، چتر هندی و... روانه می‌ساختند» (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۵).

۱-۷-۲- سیاوش: سیاوش پس از تعلیم و آموختن هنرهای بسیار از رستم به دیدار پدر می‌رود. رستم با هدایی بسیار او را راهی می‌سازد و خود نیز به همراه او به دربار کاووس می‌رود.

ز اسپ و پرستنده و سیم زر ز مهر و زتیغ و کلاه و کمر

ز پوشیدنی و زگسترذنی ز هر سوی آورده آوردنی(همان: ۱۳۳)

۸-۲- ره آورد و ره توشه‌ی سفر:

۱-۸-۲- سام: معمولاً کسی که از سفر باز می‌گردد ره توشه و ره آوردی برمی‌گیرد تا به مستقبلین هدیه دهد. هنگامی که سام از رزم هندوستان باز می‌گردد برای پادشاه ره آوردی از زر و خواسته می‌آورد:

بیاورد چندان زر و خواسته ابی آن که زو شاه بُدخواست(همان: ۳۸)

۲-۸-۲- پیران ویسه: پیران ویسه پس از بازگشت از سفر هند و چین قصد بازدید از سیاوش گرد را دارد. با ره آوردی قابل به دیدار سیاوش و دخترش فرنگیس می‌رود:

به هشتم ره آورد پیش آوید همان هدیه شاهور چون سریر

ب: نبرد و رزم

۲-۹-۲- رشادت و دلاوری، پیروزی و تقسیم غنایم: رشادت، دلاوری و پیروزی در جنگ از دید فرماندهان و شهریان مخفی نمی ماند. معمولاً پس از پیروزی از گنجینه و یا از غنایم به دست آمده به افراد یا لشکریان هدیه و خلعت می دادند. این رسم از دیرباز رایج بوده است. بلعمی در تاریخ نامه ی طبری اشاره می کند: «بهرام به لشکرگاه ترکان اندر آمد و آن مال و غنیمت ایشان فرمود تا همه را برگرفتند و تخت زرین و تاج وی برگرفت و مقدار آن مال خدای تعالی دانست... پس بهرام یک ماه به بلخ بود و آن غنیمت های ترکان که یافته بود، گرد کرد آن چیز که به ملک هرمز خواست فرستادن بفرستاد و آن چه بر سپاه خویش قسمت بایست کردن، جدا بنهاد تا ببخشند برایشان» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۲۴۳). در شاه نامه نیز آمده است هنگامی که سپاهی، پهلوانی و یا شهرداری بر دشمن و رقیب غلبه می کند به یمن این پیروزی لشکریان و همراهان را خلعت و هدیه می دهند.

۲-۹-۱- رزم بارمان و قباد: در رزم بارمان و قباد، پس از آن که بارمان در میدان جنگ به فرجام پیروز می شود، افراسیاب او را به سبب این پیروزی و دلاوری خلعت گران بهایی می دهد:

بشد بارمان نزد افراسیاب شکفته دو رخساره با جاه و آب

یکی خلعتش داد که اندر جهان کسی از کهتران آن ندید و مهان

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۶۷)

۲-۹-۲- رزم گشتاسپ و الیاس: پس از رزم گشتاسپ با الیاس و کشته شدن وی، قیصر روم به دلیل دلاوری و پیروزی گشتاسپ همه ی مردم روم را هدیه می دهد و نثار می کند:

همه روم با هدیه و با نثار برفتند شادان بر شهریار(همان: ۴۰۰)

۲-۹-۳- رزم گشتاسپ با ارجاسپ: با فارغ شدن گشتاسپ از نبرد با ارجاسپ تورانی و پس از بازگشتن به بلخ، سپاه و سران کشور را به خاطر جنگاوری و پیروزی درم نثار می کند:

نشست و کی ای تاج بر سر نهاد سپه را همه سر به سر بار داد

در گنج بگشاد و از خواسته سپه را همی کرد آراسته(همان: ۴۱۵)

۲-۹-۴- نبرد اسفندیار و ارجاسپ: اسفندیار برای آزاد کردن خواهران از بند ارجاسپ تورانی و نبردی که روی می دهد (نبرد نخست) به سبب پیروزی و دلاوری سپاه در جنگ با ارجاسپ، آنان را از غنایم جنگی خلعت می دهد:

ببخشید از آن رزمگه خواسته سوار و پیاده شد آراسته(همان:۴۲۵)

در نبرد دوم نیز که اسفندیار بر ارجاسب تورانی فایق آمد، به پاس این دلآوری بخشی از گنج و غنایم به سپاهیان می‌دهد و بخشی را برای هدیه به دربار پدر می‌آورد:

چو آن نامه بر خواند اسفندیار ببخشید دینار و بر ساخت کار

چو از گنج ارجاسب چیزی نماند همه گنج خویشان او برفشاند

سپاهی همه ز و توانگر شدند از اندازه‌ی کار برتر شدند(همان:۴۳۸)

۵-۹-۲- نبرد دارا و شیب: با شکست خوردن شیب در نبرد با دارا، غنایم جنگی بین لشکریان توزیع می‌کند:

بسی اسپ تازی به زین خدنگ همان نیزه و ترک و خفتان جنگ

ببخشید چیز که بُد بر سپاه ز اسپ و ز تاج و ز تیغ و کلاه(همان:۴۷۸)

در شاه نامه می بینیم که گاهی پیش از آغاز نبرد جهت تقویت روحیه ی سپاهیان و تشویق و دلگرمی به ایشان هدایا و خلعت هایی می دهند. هرچند این بخش در زمره ی جشن ها به شمار نمی آید اما جا دارد که در همین قسمت از مقاله به آن پرداخته شود.

۳- تشویق، تحریک و دلگرمی: موارد تشویق، تحریک و دلگرمی نیز به مناسبت های مختلف و کارکردهای گوناگون رقم می خورد. گاه پیش از آغاز جنگ، گاه هنگام تاج گذاری و... عنصرالمعالی در سفارش به فرزندش می گوید: «چنان چه زمانی به پادشاهی رسید بایدگاه گاهی بزرگان لشکر را به نان و نیند بخواند و به آن ها "خلعت و صلت" دهد و آن ها را دلگرم کند» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

۱-۳- افراسیاب و سهراب: در داستان سهراب و موضوع حمله به ایران، افراسیاب هومان و بارمان را با هدایای بسیاری نزد سهراب می‌فرستد و او را تحریک می‌کند که تخت پادشاهی ایران را به چنگ آورد:

برفتند بیدار دو پهلوان به نزدیک سهراب روشن روان

به پیش‌اندرون هدیه‌ی شهریار ده اسب و ده استر به زین و به بار

که گر تخت ایران به چنگ آوری زمانه بر آزاید از داوری(همان:۱۱۳)

۳-۲- اسکندر و سپاهیان: اسکندر که به جای نیا بر تخت شاهی تکیه می‌زند؛ اندیشه‌ی جهانگشایی در سر دارد. در گنج‌های پدر باز می‌کند و به سبب دلگرمی سپاهیان آنان را درم و دینار نثار می‌کند: سر گنج‌های نیا باز کرد بفرمود تا لشکرش ساز کرد(همان: ۴۸۰) جج

۳-۳- دارا و سپاهیان: در حمله‌ای اسکندر به ایران، دارا سپاهیان را گرد می‌آورد و با سخنانی که بر زبان می‌راند آنان را مهیج و آماده‌ی رزم با اسکندر می‌کند و درم و دینار نثار آنان می‌سازد: سلیح و درم داد لشکرش را همه نامداران کشورش را (همان: ۴۸۲)

۴- قدرتانی و سپاس‌گزاری:

۴-۱- فریدون و آهنگران: در بخش اساطیری شاه‌نامه به نخستین پیشکشی و ارمغان که مواجه می‌شویم در داستان رویارویی فریدون با ضحاک است. فریدون از آهنگران می‌خواهد که برای او گزری گران سازند. فریدون به جهت قدرتانی و سپاس‌گزاری به آنان هدیه می‌دهد: پسند آمدش کار پولادگر ببخشدشان جامه و سیم و زر(همان: ۱۷)

۴-۲- فریدون و مردمان ایران شهر: در داستان فریدون پس از بند کردن ضحاک در کوه دماوند، نامداران و مردمان ایران شهر به رسم قدرتانی و سپاس‌گزاری و فایق آمدن بر ضحاک، هدایایی نثار فریدون می‌کنند: وز آن پس همه نامداران شهر کسی را که بود از زر و گنج بهر برفتند بارامش و خواسته همه دل به فرمانش آراسته(همان: ۲۰)

۴-۳- بهرام، منذر و نعمان: از دیگر ارمغان‌ها و خلعت‌هایی که فردوسی به آن اشاره نموده است در داستان زاده شدن بهرام فرزند یزدگرد است. پس از گزینش معلم برای بهرام (منذر و نعمان) یزدگرد به پاس زحماتشان آنان را به خلعت می‌آراید:

بفرمود تا خلعتش ساختند سرش را به گردون بر افروختند

تنش را به خلعت بیاراستند ز در اسپ شاه یمن خواستند(همان: ۵۵۸)

۴-۴- منذر و معلمان بهرام: هم‌چنین منذر پادشاه یمن که مسئولیت پرورش بهرام را بر عهده دارد؛ پس از سالیانی که معلمان بهرام را آموزش و تعلیم می‌دهند، هدایایی از روی سپاس‌گزاری به آنان می‌دهد:

از آن هر یکی را بسی هدیه داد ز درگاه منذر برفتند شاد(همان:۵۵۸)

ج

۵-۴- دارا و زن و شوهرگازر: از موارد تقدیر و سپاس‌گزاری که می‌توان آن را بیان نمود، داستان پرورش یافتن داراست که توسط زن و شوهری گازر از آب گرفته می‌شود. دارا پس از رسیدن به تخت پادشاهی با خلعت بسیار زحمات آنان را پاس می‌دارد:

بفرمود دارا که ده برده زر بیارید و پرمایه چندی گهر

ز هر جامه‌ای تخته فرمود پنج بداد آن کسی را کزپو دید رنج(همان:۴۷۷)

۶-۴- اردشیر و کید هندی: اردشیر می‌خواهد فال خود و آینده‌ی حکومتش را از کید هندی جویا شود. پیکی روانه‌ی هندوستان می‌کند و به همراه او برای کید هدایایی ارسال می‌کند تا آینده او را پیشگویی کند: فرستاد نزدیک دانای هند بسی اسپ و دینار و چینی پرند...

به اختر نگه کن که تا من زجنگ کی آسایم وکشور آرم به چنگ(همان:۵۳۱)

۵- احترام، اکرام و بزرگداشت:

۱-۵- رستم و بزرگان ایران زمین: پس از مرگ سیاوش، رستم به توران لشکر کشی نموده و به مدت هفت سال پادشاه توران زمین می‌شود. بزرگان ایران زمین به رسم احترام جهان پهلوان و راضی نمودن وی مبنی بر بازگشت به ایران با هدایا به نزد وی می‌روند:

غلام و پرستندگان ده هزار بیاورد شایسته‌ی شهریار

همان ناه ی مشک و موی سمور زسنجاب و قاقم وکیمال بور(همان:۱۸۲)

۲-۵- اسکندر و دانایان: اسکندر با دانایان، فیلسوفان و پزشکان رایزنی می‌کند و معما گونه‌هایی طرح نموده، آن‌ها را می‌آزماید و از آنان پاسخ می‌خواهد. در برابر پاسخ‌های آنان، خلعت و هدایایی به آنان می‌دهد:

پسند آمدش نغز گفتار اوی دلش تیز تر گشت بر کار اوی

بفرمود تا جامه و سیم و زر بیاورد گنجور و جامی گهر(همان:۴۹۳)

۶- هدیه و ارمغان همراه با نامه: در شاه نامه می بینیم که بین شهریان سرزمین های مختلف و یا فرماندهان لشکر و پهلوانان، نیز در داستان های عشقی مکاتبه و نامه هایی رد و بدل می شود. گاهی همراه این مکاتبات که معمولاً حامل خبر خوشایند است هدایایی نیز ارسال می شود.

۱-۶- زال و سام: در داستان ازدواج زال با رودابه، زال برای کسب رضایت پدر به وی نامه ای می نگارد و به همراه نامه هدایایی نیز به پیک می سپارد تا به سام برساند.

فرستاد با نامه هدیه بسی به نزد سپهدار گردنکشی (همان: ۶۳)

ج

۲-۶- اسکندر و دارا: اسکندر خود را به شکل و هیات پیکان درآورده و در میان فرستندگان به دربار دارا می آید. او را بر سر خوان می نشاندند و از وی پذیرایی می کنند. بنا به رسم جامی که با آن فرستنده می آشامد از آن اوست:

بدو گفت ساقی که ای شاه وش چه داری همی جام زرین بکش

سکندر چنین داد پاسخ که جام فرستاده را باشد ای نیک نام

بخندید از آیین او شهریار یکی جام پرگوهر شاهوار

بفرمود تا بر کفش بر نهند یکی سرخ یاقوت بر سرنهند (همان: ۸۱)

۷- باج و زینهار خواهی: در لغت نامه دهخدا معنای کلمه باج چنین است: «باج و باژ از ریشه باجی پارسی باستان مشتق است، و آن از ریشه بج اوستایی به معنی بخش کردن و قسمت کردن است» (دهخدا، ۱۳۷۴: ۳۱۲).

سلیح و هیوان و اسبان و باج به ایران فرستاد با تخت عاج

ج

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۴۲۶)

در ترجمه تاریخ طبری نیز آمده است: «ایشان تدبیر کردند که سوی خاقان رسول فرستند و هدیه و ساو و باج پذیرند تا او باز گردد و در مملکت ایشان فساد نکند» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۲۱۵). باج، یا باژ، واژ، واژه ای فارسی است و آن نقد یا جنسی است که توسط پادشاهان کوچک یا امرا و حکام محلی به پادشاه بزرگ، و توسط رعایا به حکام یا دولت، و از سوی مسافران به راهداران، یا به عنوان عوارض گمرکی (مکنزی، ۱۳۷۳: ۲۱۴).

باج، در واقع پولی که برای امور اتفاقی، از رعایا گرفته می شده؛ اما در شاه نامه در معانی و کارکردهای گوناگون و مختلف دیگری نیز به کار رفته است. «پرداخت باج در شعر فارسی: باج و صورت های مختلف آن در شعر فارسی به همان معانی مصطلح و رایج، بسیار به کار رفته است. شاعران و ادیبان عصر غزنوی چون فردوسی، منوچهری و اسدی از نخستین گویندگانی هستند که از باج و باج ستاندن یاد کرده اند. خاقانی در دیوان و نیز منشآت، از باج سخن گفته است. سعدی نیز از باج و ده یک سخن می گوید» (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ ج ۱: ۴۰). در شاه نامه گاهی باج خواهی از عوامل شکل گیری جنگ ها و نبردهاست. در بعضی از جنگ ها پادشاهی خود را در

آستانه ی شکست می بیند؛ فرستاده ای به نزد سپاه مقابل می فرستد و باژ و خراج می پذیرد و جنگ با این موضوع پایان می رسد. گاهی پس از روی دادن جنگ به دلایلی همچون ضعف سپاه و... باج را می پذیرد.

۷-۱- **باج دادن سلم و تور به منوچهر:** در بخش اساطیری شاهنامه و در داستان فریدون و پسران، پس از کشته شدن ایرج به دست برادران و به پادشاهی رسیدن منوچهر، سلم و تور به سبب کار ناشایست کشتن برادر، در صدد پوزش و ترس از دست دادن تاج شاهی به منوچهر باج می دهند و پیلانی از بارهای دیبا و دینار به سوی ایران روانه می سازند. هر چند فریدون و منوچهر از رای خود که جنگ است؛ بر نمی گردند:

در گنج خاور گشادند باز چو دیدند هول نشیب و فراز

ز گنج کهن تاج زر خواستند همه پشت پیلان بیاراستند

ج

به گردون‌ها بر چه مشک و عبیر چه دیبا و دینار چه خز و حریر

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۳۱)

۷-۲- **باج دادن مهراب کابلی به زال و سام:** در داستان پادشاهی منوچهر و سرگذشتی که برای زال پیش می آید، زال قصد حوزوی مشرق فرمانروایی خویش یعنی کابل می کند. مهراب کابلی که خراج گزار سام است چون یارای رزم و نبرد با سام و زال را ندارد هر ساله به حکومت آنان در زابل ساو و باج می دهد:

همی داد هر سال با سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو (همان: ۴۴)

ج

این هدایا، خلعت و صله در واقع باج‌دهی در تامین امنیت سرزمینی و حفظ و تثبیت تاج پادشاهی است. پس از کشمکش بسیار و پیک دوانیدن های بیشمار در ماجرای خواستگاری زال و رودابه، به دلیل مخالفت مهراب با این پیوند؛ سام به قصد جنگ روی به سرزمین پادشاهی مهراب می نهد. سیمین دخت با تدبیر و درایت با هدایای بسیار بر آن می شود که سام را بر سر مهر آورده و از تاختن به کابل و غارت سرزمین باز دارد:

صد اشتر همه ماده‌ی سرخ موی صد اشتر همه بارکش، راه جوی

ج

یکی تاج پر گهر شاهوار ابا یاره و طوق و با گوشوار (همان: ۵۸)

۷-۳- **باج دادن قیصر روم به دارا:** قیصر روم، فلیقوس که در جنگ با دارا شکست خورده است، پیشنهاد می کند تا دارا با ناهید ازدواج کند. قیصر ناهید را به همراه باژ (باج) سرزمین روم به نزد دارا می فرستد:

یکی مهد زرین بیاراستند پرستنده‌ی تاجور خواستند

ج

ده اشتر همه بار دیبای روم همه پیک از گوهر و زر بوم

ج

به جام‌اندرون گوهر شاهوار بت آرای با افسر و گوشوار (همان: ۴۷۸)

۷-۴- باج دادن پادشاهان مکران، مازندران و هاماوران به کی کاووس: کی کاووس پس از جنگ‌های بسیار و فتح سرزمین‌ها، بسیاری از پادشاهان آن سرزمین‌ها را مطیع خود می‌سازد و درواقع باج‌گذار و خراج‌گذار او می‌شوند. از این جمله به مکران، مازندران و بربرستان هاماوران اشاره شده است:

از ایران بشد تا به توران و چین گذر کرد از آن پس به مکران زمین

ج

ج

بپذرفت هر مهتری باژ و ساو نکرد آزمون گاو با شیر تاو(همان: ۹۸)

ج

۷-۵- باج دادن قیدافه به اسکندر: اسکندر قصد نبرد با قیدافه می‌کند. قیدافه با تدبیر و دانش خود مانع از جنگ می‌شود و سرانجام با هدایا و باجی که پرداخت می‌کند، با اسکندر پیمان آشتی برقرار می‌کند:

در گنج بگشاد و تاج پدر بیاورد با یاره و طوق زر

ج

ز چرم گوزن طمع هزار همه رنگ بر رنگ بد پرنگار(همان: ۵۰۲)

۷-۶- باج دادن فغفور چین به اسکندر: اسکندر به هیأت و شمایل فرستنده به نزد فغفور چین می‌رود. پس از مناظره و گفت و گوی با فغفور در ازای تاج و تخت پادشاهی اش، پرداخت تاج و ساو به اسکندر را می‌پذیرد:

نخستین بفرمود پنجاه تاج به گوهر بیاگنده ده تخت عاج

هزار اشتر باد کش بار کرد تن اسان شد آن کو درم خوار کرد(همان: ۵۱۱)

۷-۷- باج دادن قیصر روم به شاپور: در رزم شاپور با رومیان پس از غلبه بر آنان، قیصر بر آن می‌شود که مانند گذشته باج داده تا جنگ پایان پذیرد:

فرستیم باژی چنان هم که بود برین نیز دردی نباید فزود

غلام و پرستار رومی هزار گران مایه دیبانه اندر شمار(همان: ۵۳۹)

۷-۸- باج دادن قیصر روم به نوشیروان: در لشکر کشی نوشیروان به روم، قیصر رسولانی به دربار نوشیروان می‌فرستد و با ارسال باج و هدایا از وی عذرخواهی می‌کند:

ز دینار با هر یکی سی هزار نثار آوردیند زی شهریار(همان: ۶۸۷)

۹-۷- باج دادن پرموده به بهرام چوبینه و هرمز و زینهارخواهی: پس از آن که پرموده از بهرام چوبینه پناه می‌جوید، بهرام از هرمز برای او زینهار می‌خواهد:

فرستاده پهلوان پیش خواند به خوبی سخن‌ها فراوان براند

کمر خواست با گوهر شاهوار یکی باده و جامه‌ی شهریار

چو خلعت بدین گونه او را سپرد ورا مهتر پهلوانان شمرد (همان: ۷۰۹)

۱۰- عرضه‌ی دین بهی: از استثناهای ارمغان و هدیه در شاه‌نامه در داستان ظهور حضرت زرتشت و عرضه‌ی دین بهی به گشتاسپ دیده می‌شود. این ارمغان آسمانی و دین و آیین زرتشتی است که این پیامبر بر شهریار ایران زمین و خانواده‌ی او عرضه می‌دارد. زرتشت آیین دین بهی (کتاب اوستا) به همراه مجمر عود و شاخه‌ای بان (به روایتی سرو) برای آنان به ارمغان می‌آورد. این ارمغان با تمامی هدایای دیگر در شاه‌نامه متفاوت و دیگرگون است:

یکی پاک پیدا شداندر جهان به دست‌اندرش مجمر عود و بان

خجسته پی‌ای تام او زرد هشت که اهریمن بدنش را بکشت

یکی مجمر آتش بیاورد باز بگفت از بهشت آورید فراز

(دقیقی، ۱۳۹۴: ۱۶۵)

جمع بندی و نتیجه‌گیری:

ارمغان و هدیه دادن سنتی دیرینه است که در جامعه‌ی ایران باستان رواج داشته و تا امروزه نیز رایج است. این سنت پسندیده برتعامل و ارتباط بین انسان‌ها تاثیر گذاشته و موجب مهرورزی و همدلی با یک دیگر می‌شود. ارمغان و هدیه دادن در مناسبت‌های گوناگون و با کارکردهای متفاوت در شاه‌نامه بیان شده است. صلّه، خلعت، باج، ساو، باز، جهیزیه و... نام‌های متفاوتی است که با توجه به کارکرد آن در شاه‌نامه نام‌گذاری شده است. نثار در جشن تاج‌گذاری، مراسم استقبال و عروسی اتفاق می‌افتد. صلّه و خلعت در پاداش و مزدگانی خبری خوش و باج و ساو در جنگ و یا صلح و آشتی. نکات برجسته‌ی دیگری که می‌توان درباره سنت ارمغان و هدیه در شاه‌نامه بیان نمود از این قرار است:

پیشکشی‌ها همانند امروزه که سوغات هر شهری زبانزد است؛ با توجه به موقعیت جغرافیایی و سرزمینی تهیه و اهدا می‌کردند. کمان چاچی، زره رومی، سپرهای چینی و شمشیر هندی از این نمونه‌اند.

در مناسبت های مختلف نوع اقلام متفاوت است. به گونه ای انتخاب و گزینش می شود که برای شخص منظور کارکرد داشته باشد. به پهلوانان و لشکریان ستام زرین، اسب و استر، تیغ و خنجر هدیه می دهند و به نو عروسان افسر و گوشوار، کنیز و پرستار، گستر دنی و پوشیدنی. هرچند که در همه ی مناسبت ها تقریباً درم و دینار و زر مشترک است.

مقدار و تنوع اقلام و کالاهای اهدایی به جایگاه و پایگاه افراد بستگی دارد. با توجه به شان و شخصیت فرد یا افراد پرداخت می گردد. برخی را به دلیل زیادی اقلام با کاروان حمل می کردند و بعضی به جامی زرین بسنده می نمودند.

تنها در دو مورد از ارمغان های بیان شده در شاه نامه منشور و فرمان سرزمینی است. منشور زابل برای زال از سوی منوچهر و منشور سرزمین فرا رودان (ماورالنهر) از طرف افراسیاب تورانی برای سیاوش. یک مورد از ارمغان های مطرح شده جنبه ی معنوی دارد و آن عرضه ی دین بهی از سوی زرتشت به گشتاسپ و خانواده ی این شهریار.

منابع و مأخذ:

- ابن طقطقی، محمد بن طباطبا (۱۳۶۷). تاریخ فخری. ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). تاریخ نامه طبری. ج ۲، تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات البرز.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۹۰). تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات مهتاب.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۴۰). یسناج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جاحظ، ابو عثمان محمد بن بحر (۱۳۹۲). آیین کشورداری در ایران و اسلام. ترجمه حبیب الله نوبخت، تهران، آشیانه.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۱) ج ۱۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴). لغت نامه. ج ۲، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. تهران، انتشارات روزبهان.
- رنجبر، الهام آزاده (۱۳۸۹). بررسی نحوه بدرقه از مسافران شاه نامه. پنجمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم سبزواری.
- سرآمی، قدمعلی (۱۳۶۸). از رنگ گل تارنج خار. تهران، انتشارات علمی، فرهنگی.
- سید صادقی، سید محمود و موسوی، سید عمادالدین (۱۳۹۱). آداب و آیین در شاه نامه فردوسی، همایش پژوهش های ادبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
- سید نظامی، مهناز و شریفی، شهین (۱۳۹۴). آداب ضیافت و مهمان نوازی در شاه نامه. همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- عنصر المعالی، کیکاووس (۱۳۸۴). گزیده قابوس نامه. انتخاب و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات علمی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). شاه نامه. تصحیح ژول مول، تهران، انتشارات شهزاد.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). شاه نامه. تصحیح سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی. تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات ارمغان.
- محمدآبادی، باوایل (۱۳۵۰). آیین ها در شاه نامه فردوسی. تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
- معین، محمد (۱۳۵۰). لغت نامه. ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- معصومی دهقی، احمد رضا (۱۳۸۳). زناشویی در شاه نامه. اصفهان، انتشارات نقش خورشید.